

آنچه درباره واکسیناسیون گفته شد و شنیده نشد

عباس عبدي

وضعیت کرونا و میزان فوتی‌های آن در ایران بسیار تأسف‌آور است. اگر در ابتدای این پاندمی مردم می‌پذیرفتند که عزیزانشان به علت این بیماری و خارج از اراده و عملکرد سیاست فوت کرده‌اند، اکنون دیگر چنین چیزی را نمی‌پذیرند. مردم فوت عزیزانشان را منتسب به سیاست‌های نادرست در زمینه واکسیناسیون می‌کنند. سیاست‌هایی که تأکید بر تولید داخل کرد و واردات را به فراموشی سپرد حتی با آن مخالفت هم کرد. گرچه مسوولیت این امر در ظاهر متوجه وزارت بهداشت و شخص وزیر بهداشت است که با سخنان نادرست و ناموجه و غیر علمی خود نمک بر زخم کرونای مردم می‌پاشید، ولی می‌پذیریم که ما با یک وزیر بهداشت روبرو نیستیم، بلکه او جزئی از یک حکومت است و در ذیل ساختار کلی آن عمل می‌کند. اگر چه اکنون وضع واکسیناسیون به‌طور موقت و البته با سرعت متوسط روی ریل افتاده، ولی اطمینان نداریم که با همین سرعت متوسط نیز بتواند ادامه پیدا کند هر چند برخی خبرها از واردات ۳۰ میلیون دوز در مردادماه حکایت می‌کند با این حال هنوز اطمینان قطعی نداریم که آیا در شهریور و مهر می‌توانیم واکسیناسیون را به اندازه‌ای انجام دهیم که دانشگاه‌ها و مدارس باز شوند و مرگ و میر به حداقل برسد یا باید منتظر موج ششم کرونا با مرگ و میر بالا باشیم. یادداشتهای زیر گزیده‌ای از مجموعه مطالبی است که بنده از ۹ ماه پیش درباره واکسیناسیون نوشته‌ام. اگر به محتوای آنها توجه کنیم، روشن است که بیشتر نکات لازم و عوارض بی‌توجهی به واکسیناسیون از ابتدا گفته شده است و البته مسوولان محترم نیز وقتی ننهادند و امروز باید مسوولیت مرگ هزاران نفر از مردم را به عهده بگیرند.

اولین اشاره مستقیم در یادداشت «کارزار واکسیناسیون» ۱۷ آذر ۱۳۹۹ بود که چنین آغاز

می‌شد :

اگر اتفاق جدیدی در کشور رخ ندهد به احتمال فراوان و در هفته‌ها و ماه‌های آینده مساله واکسیناسیون به جدی‌ترین مساله کشور تبدیل خواهد شد. این موضوع اثرات گسترده‌ای بر احساس مردم و نیز رفتار آنان خواهد گذاشت.

ابتدا بد نیست بدانیم که در حال خوردن چوب چه وضعیتی هستیم. چینی‌ها واکسن خود را در مناطق مختلف جهان تست کردند. در این منطقه نیز سه کشور ایران، ترکیه و امارات را برای تست انتخاب کردند. طبیعی است که برای ارزیابی اثرات واکسن باید آنها را در مناطق گوناگون و برای انسان‌هایی با ژنوم‌های مختلف تست کرد. بر حسب اطلاع امارات و ترکیه این تست را انجام دادند و حتی شنیدیم که رییس دومی شخصاً آن را آزمایش کرد، ولی ایران به علل تاسف‌آوری که نیازمند نوشتن يك مقاله یا یادداشت مستقل است از این کار استنکاف نمود و به‌طور طبیعی خود را از بهره‌مندی بعدی این واکسن حداقل در کوتاه‌مدت محروم کرده است... اکنون هم اخبار اطمینان بخشی از خرید واکسن کرونا به گوش نمی‌رسد. آخرین اظهارات بالاترین مقام دارویی کشور در این باره چنین است: «پیش‌بینی می‌کنیم در صورت تایید واکسن‌ها و تامین ارز مورد نیاز، در دوماه آینده بتوانیم يك محموله را وارد کنیم.» معمولاً هنگامی که بدون قید و شرط وعده‌ای را می‌گویند نباید انتظار تحقق به موقع آن را داشت چه رسد به زمانی که دو قید هم اضافه می‌کنند. به نظر می‌رسد که برای حل مساله لازم است که يك کمیته عالی و با اختیارات کامل برای واکسیناسیون کووید-۱۹ تشکیل شود. اختیاراتی کامل در تمام زمینه‌های امور مالی و اجرایی، خرید و تهیه واکسن، نگهداری آن، تزریق و زمان‌بندی و بالاخره اینکه دریافت‌کنندگان چه کسانی باشند.

هنگامی که می‌گوییم دریافت‌کنندگان، باید همه‌چیز روشن و شفاف باشد. آیین‌نامه‌ای صریح با ضوابطی دقیق و با قابلیت اجرایی کامل و بدون استثنا تهیه شود. رعایت عدالت و بیطرفی کامل رکن اساسی این مرحله است. باید بانك اطلاعات از همه شهروندان و براساس کد ملی و حرفه آنها تهیه شود و مطابق آن اقدام گردد. هر گونه تخطی از ضوابط آن بی‌اعتمادی موجود را ریشه‌دارتر خواهد کرد.

همه اینها به شرطی است که واکسن به تعداد متناسب خریداری و دریافت شود، ولی در هر حال این ضوابط و بانك اطلاعات باید از اکنون تهیه و اعلام گردد و نمی‌توان منتظر بود تا بعد از خرید آن

را تدوین کرد. اگر نتوانیم هم‌پای کشورهای دیگر در مسیر واکسینه کردن جامعه در برابر این بیماری گام برداریم، عوارض اجتماعی و اقتصادی زیادی را دچار خواهیم شد.

متأسفانه مسوولان کشور در حال دادن وعده تولید واکسن در داخل کشور برای اواخر بهار هستند، قصد رد این احتمال در موفقیت ایران را نداریم و خیلی هم خوشحال باید شویم که چنین اتفاقی رخ دهد، با این حال اگر واکسیناسیون در کشورهای همسایه آغاز شود، دیگر نمی‌توان وعده آخر بهار و تابستان را داد. تا آن زمان باید اقدامات ملموس در این زمینه انجام شود.

به علل گوناگون در کارزار کرونا چنانچه شایسته است عمل نکرده‌ایم. ارزیابی علل و درس‌آموزی از آن مهم است. شاید بیش از هر چیز دیگر، جدی نگرفتن اولیه و نیز ناهماهنگی‌ها در سیاست‌گذاری و اجرا و پرداختن به مسائل حاشیه‌ای در این وضعیت موثر بود. از جمله امور بربط و حاشیه‌ای تبلیغ خجالت‌آور شبه علم بود. باید تأسف خورد که در میانه این جنگ بزرگ با کووید-۱۹، عده‌ای دنبال برجسته کردن طب ملی و اسلامی و چنین ایده‌های غیر علمی بودند و وقت خود و جامعه را در این راه تلف کردند... مساله کرونا و ابعاد آن برای مردم حداقل در کوتاه‌مدت مهم‌تر است و نباید به فراموشی سپرده شود و واکسن کرونا مهم‌ترین مساله‌ای است که در این زمینه در هفته‌ها و ماه‌های آینده با آن مواجه خواهیم بود.

یادداشت دوم

یادداشت دوم به نام «واکسن شافی!» در اول دی ۱۳۹۹ نوشته شد ولی برای پرهیز از سوء تعبیر در پایان فروردین منتشر شد در این یادداشت با اشاره به کرونایاب مستعان نوشتم که: باید نسبت به تکرار این اتفاق در موضوع واکسن کووید-۱۹ هشدار داد. اگر برای ساکت کردن دیگران، روزانه بر موفقیت‌های

احتمالی و کارآیی چنین واکسنی تاکید می‌شود، در این صورت باید توجه کرد که در صورت شکست و عدم موفقیت، خسارات روحی و روانی آن بیشتر خواهد بود. به عنوان یک فرد و شهروند از اینکه خودمان هم واکسن تولید کنیم بسیار خوشحال می‌شوم و امیدوارم چنین شود ولی از آنجا که مارگزیده از ریسمان سیاه و سفید می‌ترسد و نیز حمایت‌های مقامات بهداشتی و درمانی را هم از طب مثل سنتی دیده‌ام، لذا دور از انتظار نیست که نگران سرنوشت واکسن ایرانی هم باشم.

واکسن، هم نیاز ضروری است و هم قابل خرید است. اینکه با افتخار بگوییم واکسن خارجی نمی‌زنیم، در عین حال در همان لحظه بخش مهمی از پوشش و وسایل خانه و کار ما که ساده‌ترین تولیدات است، خارجی باشد، فعلاً محل بحث نیست. در هر حال مردم را نمی‌توان معطل این وعده‌ها کرد.

یادداشت سوم

در ۱۶ دی یادداشت «واکسن چینی» را با این توضیحات نوشتم که:

در اوایل ماه جاری امارات متحده عربی اولین کشوری بود که از واکسن تولیدی شرکت چینی سینوفارم برای واکسیناسیون عموم مردم استفاده کرد. قبلاً امارات اجازه داده بود این واکسن در مرحله تست انسانی در آنجا آزمایش شود. میزان اثربخشی و کارآیی واکسن سینوفارم تا ۸۴ درصد هم اعلام شده و سهولت دسترسی و نگهداری و قابلیت مصرف آن به تایید سازمان جهانی بهداشت و اداره ملی نظارت بر داروی چین رسیده است. برزیل و اندونزی و ترکیه نیز خواهان استفاده از آن هستند. پرسش این است که با توجه به روابط خوب امارات با آمریکا و درآمد بالای اقتصادی آنان که برای خرید بهترین

واکسن غربی هیچ مانعی نداشتند چرا پذیرفتند واکسن چینی روی مردمشان آزمایش شود و سپس چرا اجازه استفاده از همان را صادر کردند؟ پس ما که هیچ‌کدام از آن دو ویژگی را نداریم به‌علاوه وضع شیوع ویروس کرونا نیز در ایران مطلوب نیست، پس چرا با همه اینها اجازه ندادیم که واکسن چینی در ایران آزمایش شود در حالی که آنها این کار را انجام دادند.

در این یادداشت به علل این تصمیم پرداختم از جمله نوشتن که:

و بالاخره عامل سوم هم نوعی شیفتگی و فقدان اعتماد به نفس در کنار خود بزرگ‌بینی ناخردانه در جامعه ایران است که متأسفانه به نوعی سکه رایج شده است. هنگامی که مسوولان بهداشتی کشور با افتخار می‌گویند اجازه نمی‌دهیم که مردم ما محل آزمایش واکسن‌های دیگران شوند، به ظاهر درصد دفاع از مردم و ارزش قایل شدن برای آنان هستند، ولی در حقیقت چیزی جز بازتاب فقدان اعتماد به نفس آنان نیست.

یادداشت چهارم

در فروردین امسال و با آغاز موج چهارم یادداشت «اینک موج چهارم» را نوشتم.

مساله این است که تا چه اندازه می‌توان جامعه را در شرایط محدودیت‌های کرونایی قرار داد. در کشورهای غربی هم موج مخالفت با این محدودیت‌ها قوی است. همین الان که مدارس و دانشگاه‌ها تعطیل است مشکلات فراوان است، تا کی باید ادامه داد؟

پاسخ يك چیز است؛ واکسن و کاهش مرگ و میر. قضیه از این قرار است که مرگ و میر ناشی از کرونا و بستری شدن مبتلایان نسبت به سن بیمار بسیار حساس است. متأسفانه وزارت بهداشت برخلاف عقل سلیم و حق عمومی از انتشار جزییات آماری اجتناب می‌ورزد و همین امر موجب سوء فهم از ماجرا می‌شود و یکی از عللی که مردم به دستورات رسمی تا حدی بی‌اعتماد هستند همین پنهان‌کاری‌ها است.

اجازه دهید که آمار يك مقطع از فوتيهاي کرونا در تهران را مرور کنیم. تعداد فوتيهاي کرونا کما بیش تابع اين الگو است.

ممکن است اين درصدها در کل کشور قدری کمتر یا بیشتر باشد. ولي کلیت آمار همین است که می بینیم. در واقع ۶۰ درصد فوتيها بالای ۷۰ سال داشته اند. حداقل ۷۰ درصد آنان بالای ۶۵ سال داشته اند. در واقع اگر جمعیت بالای ۶۵ سال واکسینه شود ۷۰ درصد مرگ و میر و به همین نسبت نیز از تعداد بستريهاي حاد کاسته خواهد شد. اين جمعیت فقط حدود ۵ تا ۶ میلیون نفر جمعیت کشور است که با حدود ده میلیون دوز واکسن همه آنان و نیز کادر درمان واکسینه میشوند و تعداد فوتيها به زیر ۳۰ درصد میرسید و کل نگرانيها برطرف میشود. اگر واکسیناسیون افراد ۵۰ تا ۶۵ سال هم به مرور انجام شود، تعداد آنان هم که کما بیش قدری بیشتر از تعداد قبلي هستند تا ۹۵ درصد مساله مرگ و میر کرونا حل میشود.

بنابراین انتظار عمومي وجود داشت که تمام تاکيدها بر تهیه واکسن انجام شود و البته در کنار آن تولید واکسنهاي داخل نیز بسیار ضروري و خوب است، ولي نمایشی برخوردار کردن با اين ماجرا بیش از آنکه به همراهی و آرامش خاطر مردم کمک کند، موجب بیاعتمادی آنان شده است.

یادداشت پنجم

با حاد شدن وضعیت کرونا یادداشت «نقد سیاست واکسن کووید-۱۹» را در ابتدای اردیبهشت ماه نوشتم. مقابله با ویروس کرونا ابعاد گوناگونی داشت، ولي يك بخش مهم این مقابله، سیاست نسبت به واکسیناسیون بود. سیاستی که شامل تهیه و تزریق براساس ضوابط و برنامه مشخص است. تهیه واکسن نیز شامل سیاست وارداتی و تولید داخل است. از ابتدا مقرر شد که تولید واکسن کووید-۱۹ در داخل کشور انجام شود. اين سیاست به عللي قابل دفاع و درست است. در درجه اول وضعیت روابط ایران با جهان خارج است که حداقل در کوتاه مدت یا حتی میان مدت، تصور نمی رود که در مدار قابل اعتمادی قرار گیرد. به علاوه دسترسی به واکسن نشان داد که حتی کشورهاي که در يك اتحادیه نزدیک به یکدیگر هستند، در تهیه واکسن و کوشش برای انحصار آن به خودشان نیز رحم نمی کنند چه رسد به اینکه بخواهند به کشورهای دیگر بدهند. دلیل دوم نیز سابقه صدساله ایران در این

صنعت است که امکان و زیرساخت مناسب را برای انجام این سیاست تولید داخلی فراهم می‌کند.

این سیاست قابل دفاع بود ولی ناکافی هم بود. چون زمان در مساله دستیابی به واکسن اهمیت داشت. ایران از دو جهت ضعیف بود. اول، یک فاصله حدوداً ۹ ماهه با آغاز به کار کشورهای اصلی برای تولید واکسن داشت. دوم اینکه ظرفیت تولید آن برای چنین طرحی ناکافی بود. در واقع ایران برای آنکه بخواهد همه مردم را طی یک سال واکسیناسیون کند، باید ۱۷۰ میلیون دوز واکسن تولید می‌کرد که حدود ۱۵ میلیون در ماه می‌شد، در حالی که ظرفیت آن بسیار کمتر از این رقم بود و ایجاد ظرفیت جدید نیز زمان‌بر است. به همین علت در بهترین حالت و اگر همه امور به خوبی پیش برود، حداقل ۶ ماه از کشورهای دیگر عقب‌تریم، به علاوه پس از این مدت نیز معلوم نیست با سرعت آنان بتوانیم همه را واکسینه کنیم.

به جز این دو مشکل اصلی، نقدهای دیگری نیز به سیاست مزبور وارد است. از جمله اینکه در شرایط فعلی ظاهراً ۸ واکسن در قالب‌های گوناگون در حال گذراندن مراحل آزمایشی خود هستند. تولید واکسن بسیار پرهزینه است و با وضع موجود کشور معقول نیست که هشت طرح هم‌زمان اجرا شوند. اگر به هر شکلی این تعداد محدود می‌شد، احتمالاً سرعت رسیدن به مرحله تولید نهایی و تزریق نیز افزایش پیدا می‌کرد. ایراد دیگر، نمایشی و سیاسی کردن تولید واکسن بود. این کار به زیان اعتبار واکسن داخلی بود. تولید دارو و به‌طور مشخص واکسن باید خارج از چارچوب‌های نمایشی و سیاسی انجام شده و پیش برود. متأسفانه در ایران ظرفیت نمایشی شدن امور بیش از ظرفیت‌های علمی است و یکی از عللی که نخبگان علمی نیز از ورود آشکار به این موارد پرهیز می‌کنند همین رفتار است. به‌جای ورود کارشناسان مورد اعتماد و خبررسانی بی‌طرفانه، مقامات سیاسی و مدیریتی وارد معرکه شدند. با این ملاحظات باید سیاست واکسن بر اساس واردات در کنار تولید در دستور کار قرار می‌گرفت که گرفته بود ولی در عمل پشت‌گوش انداختند و به نحو مناسب انجام نشد. قدری از مشکلات مربوط به شرایط تحریمی است. ولی همه ماجرا این نیست. مهم‌ترین ایراد این است که دست‌اندرکاران سیاست بهداشتی و درمانی به عللی خواهان حمایت از یک تولیدکننده داخلی بودند و هستند. شاید گمان می‌کردند که واکسن آنها زودتر به ثمر برسد، ولی نه تنها در زمان مورد نظر به تولید نرسیده و فاز ۳ را تمام نکرده است، بلکه ظرفیت آن نیز محدود است. با ظرفیت حداکثر ۲ میلیون در ماه نمی‌توان انتظارات

موجود را برآورده کرد. بنابراین باید شرایط را برای واردات فراهم می‌کردند. بزرگ‌ترین اشتباه در این مرحله رخ داد. حمله عجیب و مشهور وزیر بهداشت که برای توجیه علت رد پذیرش انجام مرحله سوم واکسن چین در ایران گفت که: «نمی‌گذارم ملت ایران موش آزمایشگاهی بیگانگان شوند.» این جمله نادرست و ضد علمی و خلاف سیاست مفید بود. معنای مخالفش چیست؟ آیا مردم ایران را باید موش آزمایشگاهی خودمان کنیم؟ مگر کسی گفته بود که چشم بسته اجازه انجام مرحله سوم را بدهید؟ آیا دولت ترکیه و امارات متحده که اجرای این مرحله را پذیرفتند، مردم خود را موش آزمایشگاهی بیگانگان کردند؟! این حرف درصدد ایجاد بازار برای واکسن داخلی بود که قرار بود در ابتدای بهار به نتیجه برسد و نرسید! این نگاه زیان‌بار بود. همان زمان هم بنده نوشتم که این کار نادرست است و باید آزمایش مرحله سوم واکسن چینی را می‌پذیرفتیم و به ازای آن میلیون‌ها دوز واکسن را در اولویت می‌خریدیم تا بعداً به واکسن‌های تولید داخل برسیم. در مجموع نمره تهیه و تزریق واکسن، بسیار کمتر از نمره قبولی در مدیریت کرونا است.

یادداشت ششم

ششمین یادداشت را در ۲۲ تیر با عنوان «نگاه مردم را دریابید» نوشتم، درباره نگاه مردم به سیاست‌های رسمی واکسن و واکسن داخلی بود که در حال تغییرات به سوی بدبینی است. اینها یادداشت‌هایی بود که به‌طور کامل به مساله واکسن می‌پرداخت. در کنار آنها در دهه یادداشت و توییت دیگر هم به‌صورت کوتاه به همین مضامین اشاره شده بود. با این توصیفات آیا گمان نمی‌کنید که نوعی مسوولیت حقوقی متوجه مدیران ذیربط است؟